

تعیین کانون جرم خیز نزاع و درگیری (مورد مطالعه: شهر جدید هشتگرد)

حافظ مهدنژاد^۱، محمد جوانمرد^۲، علیرضا بزرگوار^۳، زهرا تمجیدی^۴

تاریخ دریافت: 1398/10/12

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی

تاریخ پذیرش: 1399/02/01

از صفحه 103 تا 124

سال هشتم، شماره بیست و نهم، بهار 1399

چکیده

جرم تحت تأثیر مشخصه‌های مکانی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اتفاق می‌افتد. بروز انواع ناهنجاری‌های اجتماعی در شهر جدید هشتگرد، از مشکلات عمده این شهر در مقطع کنونی و دغدغه‌ای برای مدیران شهری و متصدیان قضایی و انتظامی آن است. بر همین اساس، هدف پژوهش حاضر تعیین پهنه‌های مکانی کانون‌های جرم خیز نزاع و درگیری در شهر جدید هشتگرد است.

روش پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است و برای شناسایی و تحلیل الگوهای فضایی توزیع جرائم در سطح شهر جدید هشتگرد از آزمون‌های مرکز متوسط، بیضی انحراف معیار و آزمون خوشه‌بندی و شاخص‌های نزدیک‌ترین همسایه و تخمین تراکم کرنل استفاده شده است؛ همچنین از نرم‌افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی^۵ و نرم‌افزار جانبی Cime Analysis برای تحلیل یافته‌ها استفاده شده است.

مرکز متوسط جرم شرارت و درگیری در فاز (۳) شهر هشتگرد واقع شده و تمایل آن بیشتر به طرف فازهای (۴) و (۷) بوده است. جهت بیضی انحراف معیار به سمت شمال شرقی-جنوب غربی شهر و به‌طور مشخص فازهای (۴) و (۷) است. نمره Z جرائم مربوط به بزه نزاع و درگیری در شهر هشتگرد، (۳۳۰۳۴۶۰۰۵) است که نشانگر خوشه‌ای بودن جرائم در این شهر می‌باشد. بر اساس تخمین تراکم کرنل، بیشترین تمرکز این بزه در فازهای (۴) و (۱) به وقوع پیوسته است.

فقر، تنوع قومی، تحرک اجتماعی و مشخصه‌های کالبدی در میزان بالای جرم در شهر جدید هشتگرد تأثیر زیادی دارند. مشخصه‌های کالبدی از جمله وجود پروژه‌های نیمه‌تمام مسکن مهر، آپارتمان‌های بلندمرتبه، فضاهای خالی زیاد و کمبود خدمات و امکانات به‌خصوص در محدوده‌های مسکن مهر از جمله فازهای (۴) و (۷) موجب تشکیل کانون‌های جرم خیز و فراوانی بزه نزاع و درگیری در این شهر شده است.

کلیدواژه‌ها: مکان، بزه، کانون‌های جرم خیز، نزاع، شرارت، شهر جدید هشتگرد.

1- استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه سیدجمال الدین اسدآبادی، اسدآباد، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)، H.mahdnejad@gmail.com.

2- عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

3- دانش‌آموخته دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران، تهران، ایران.

4- دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، تهران، ایران.

جرایم، عواقب مالی زیادی برای افراد، شرکت‌ها و سازمان‌ها ایجاد می‌کند و حتی می‌تواند ثبات جوامع را تهدید کند. رویدادهای مجرمانه دارای اثرات منفی اجتماعی و روانی هستند، چراکه قربانیان از سطح بالای خطر ادراک شده، رنج می‌برند و این امر به کاهش شدید کیفیت زندگی منجر می‌شود. بر همین اساس، یکی از اهداف تصمیم‌گیران، یافتن راهبردهایی برای پیشگیری مؤثر از وقوع جرم است (کادار و همکاران^۱، ۲۰۱۹: ۲). جرم همانند بیماری، یک مسئله اجتماعی است که گرایش دارد در قالب خوشه‌های فضایی گسترش یابد. جرم به‌عنوان یک مشخصه فضایی، با توجه به کانون‌های جرم‌خیز، خوشه‌های فضایی، همبستگی فضایی و ویژگی‌های مختلف با جرم تحلیل شده است (ماتی‌جوزیتین و همکاران^۲، ۲۰۱۹: ۱). ویزبرد^۳ (۲۰۱۵)، «قانون تمرکز جرایم در مکان‌ها» را پیشنهاد کرده است. به این معنا که جرایم شهری در واحدهای جغرافیایی کوچک یا کانون‌های جرم‌خیز تمرکز می‌یابند؛ برای مثال، در شهرهای بزرگ، حدود (۵۰) درصد جرایم در (۵) درصد وسعت شهر اتفاق می‌افتد (گور و لی^۴، ۲۰۱۸: ۴۱). تشدید جرایم در برخی مکان‌های خاص، علل زیادی دارد. درحالی‌که سارقان به مکان‌های کاری خاص به‌عنوان یک جذابیت می‌نگرند، مشخصه‌های خاص مناطق مسکونی، سرقت را تسهیل می‌سازد؛ بنابراین، جرم و جنایت به‌طور مستقیم با محیط شهری ارتباط دارد (آکوسی^۵، ۲۰۱۷: ۱).

به اعتقاد نیومن (۱۹۷۳)، محیط کالبدی می‌تواند فعالیت‌های بزهکارانه و مجرمانه را تسهیل کند و بنابراین استفاده از فضاهای قابل دفاع را ترویج دهد. نیومن به مقایسه و تحلیل دو پروژه مسکن اجتماعی در نیویورک (براونسویل و ون‌دایک)^۶ بر اساس نرخ جرم و جنایت ثبت شده پرداخته است. نتایج نشان‌دهنده آن است که نرخ جرم و جنایت در بلوک‌های بلندمرتبه پروژه ون‌دایک نسبت به ساختمان‌های کم ارتفاع براونسویل به‌مراتب بیشتر بوده است. جمعیت مستأجر در هر دو پروژه شباهت

1- Kadar et al
2- Matijosaitiene et al
3- Weisburd et al
4- Gorr & Lee
5- Aksoy
6- Brownsville and Van Dyke

قابل توجهی با یکدیگر داشته‌اند و نیومن استدلال کرده که طراحی محیطی ساختمان‌ها، عامل علت و معلولی تبیین نرخ‌های متفاوت جرم بین این دو پروژه ساختمانی بوده است. آپارتمان‌های بلندمرتبه در پروژه‌های ون‌دایک شامل ماریپچ‌های کریدورها و مناطق عمومی با فرصت‌های محدود برای نظارت بوده است. نیومن گزارش داد که بیش از نیمی از جنایات در مکان‌های کمتر قابل مشاهده و یا در مکان‌های دارای پتانسیل پنهان شدن رخ داده است (کوزنز و لاو^۱، ۲۰۱۵: ۲). به بیانی دیگر می‌توان گفت ساختمان‌های بلندمرتبه در شهرهای جدید بر افزایش نرخ جرم و بزهکاری تأثیر قابل توجهی می‌گذارد. اسکار نیومن معتقد است که پایین‌ترین میزان جرم در ساختمان‌های سه طبقه اتفاق می‌افتد در حالی که این آمار در ساختمان‌های شش طبقه و مجتمع‌های مسکونی بیش از (۱۰۰) واحد بسیار بالاست (مهدوی‌نیا و همکاران^۲، ۲۰۱۴: ۱۰).

در این میان، شهر جدید هشتگرد در سال‌های اخیر به واسطه ساخت پروژه‌های مسکن مهر (۵۰) هزار واحد از رشد فیزیکی شتابانی برخوردار شده است. به طوری که نوعی آشفتگی و نابسامانی مکانی به خاطر پروژه‌های نیمه‌تمام، اسکان کارگران ساختمانی، عدم شکل‌گیری زیرساخت‌های زیربنایی و روبنایی، نبود خدمات و امکانات و فاصله فراوان بین فازهای شهر در آن رخ داده است. این امر زمینه را برای ارتکاب انواع بزهکاری‌ها و جرائم به‌خصوص نزاع و درگیری فراهم کرده است. به‌طور مشخص، ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی شهر جدید هشتگرد از قبیل قرارگیری ساختمان‌ها در میان زمین‌های بایر، غالب شدن زمین‌های بایر بر ساختمان‌ها، شبکه دسترسی خلوت بدون وجود سیستم روشنایی، توسعه و ساختمان‌سازی نامنظم و نامطلوب، حاشیه‌های ناامن و طراحی نشده محله‌ها، عدم شکل‌گیری سازوکارهای محله‌ای، روابط همسایگی و شبکه‌های اجتماعی، فقر شدید ساکنان، تحرک مسکونی بالا و تنوع فرهنگی-اجتماعی زمینه را برای گسترش وقوع جرائم مختلف در این شهر مساعد کرده است. بر همین مبنا، هدف پژوهش حاضر، تعیین کانون‌های جرائم مرتبط با نزاع و درگیری در شهر جدید هشتگرد با استفاده از مدل‌های مکانی در محیط GIS

است تا بدین وسیله علل شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز در این شهر جهت برچوردن ریشه‌ای با آن‌ها شناسایی شود. در این راستا، این پژوهش به دنبال پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

- 1) توزیع مکانی جرائم مرتبط با نزاع و درگیری در شهر جدید هشتگرد چگونه است و بیشترین تمرکز جرم در کدام یک از فازهای شهر اتفاق افتاده است؟
- 2) چه مؤلفه‌هایی بر تشکیل کانون‌های جرم‌خیز نزاع و درگیری در شهر جدید هشتگرد تأثیر گذاشته‌اند؟

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های زیادی در رابطه با کانون‌های جرم‌خیز، صورت گرفته است. نتایج پژوهش شرم‌ن و همکاران (۱۹۸۹)، نشان می‌دهد کانون‌های جرم‌خیز، «مکان‌های کوچکی هستند که جرم به‌طور مکرر و مستمر در آن‌ها اتفاق می‌افتد، چنانچه حداقل در یک دوره یک‌ساله این امر به‌وضوح قابل پیش‌بینی است» (شرمن و همکاران^۱، ۱۹۸۹). یافته‌های پژوهش اسپلمن (۱۹۹۵) بیانگر آن است که در یک بازه زمانی نسبتاً بلندمدت، تعداد زیادی از تماس‌های اضطراری پلیس در مکان‌های با ریسک بالا مانند دبیرستان‌ها، ایستگاه‌های مترو و پارک‌ها در بوستون متمرکز شده است (اسپلمن^۲، ۱۹۹۵). ویزبرد و همکاران (۲۰۰۴) با استفاده از داده‌های سالانه و روش تحلیل مسیر نشان داده‌اند که کانون‌های جرم‌خیز سیاتل در بخش‌های خیابانی بلوک بزرگ واقع شده‌اند که بیش از یک دهه استمرار داشته‌اند. می‌توان این‌گونه مکان‌ها را «کانون‌های مزمن» نام نهاد. به‌طور دقیق، بیش از (۵۰) درصد رویدادهای مجرمانه در بازه زمانی یک‌ساله در کمتر از (۵۰) درصد بخش‌های خیابان دو بلوک اتفاق افتاده است (ویزبرد و همکاران^۳، ۲۰۰۴). نتایج پژوهش براگا و همکارانش (۲۰۱۰) نشان‌دهنده آن است که مکان‌های خرد با تمرکز ناپایدار، نشانگر کمتر از (۳) درصد تقاطع‌ها و بخش‌های خیابانی بوستون هستند که بیش از نیمی از تمام رویدادهای ضرب و جرح با

1- Sherman

2- Spelman

3- Weisburd et al

اسکله طی بازه زمانی (۱۹۸۰-۲۰۰۸) را ایجاد کرده‌اند (براگا و همکارانش^۱، ۲۰۱۰). ویلکوکس و اک (۲۰۱۱)، اصلاح «قانون آهن مکان‌های مزاحم»^۲ را مطرح کرده‌اند که بر وقوع سری زمانی مستمری از جرائم و ناهنجاری‌ها در چنین مکان‌هایی صحنه می‌گذارد (ویلکوکس و اک^۳، ۲۰۱۱).

یافته‌های پژوهش براگا و همکاران (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که سرقت‌های انجام‌شده در تعداد کمی از بخش‌های خیابانی و تقاطع‌ها متمرکز شده‌اند. طی یک دوره زمانی بیست‌ونهمساله (۱۹۸۰-۲۰۰۸) در بوستون، به تقریب (۵۰) درصد و (۸) درصد تقاطع‌ها و بخش‌های خیابانی مسئول نزدیک به (۵۰) درصد تمام سرقت‌های تجاری و (۶۶) درصد تمام سرقت‌های خیابانی بوده‌اند (براگا و همکاران، ۲۰۱۱). بر مبنای نتایج پژوهش گور و لی (۲۰۱۲)، کانون‌های جرم‌خیز به دو نوع گذار و مزمن تقسیم می‌شوند. کانون‌های جرم‌خیز گذار به‌عنوان مناطق کوچک دارای تراکم بالای جرم و بزهکاری تعریف شده‌اند که با کانون‌های مزمن قابل‌مقایسه هستند؛ درعین‌حال شدت وقوع جرم در دوره‌های زمانی کمتر از یک سال اتفاق می‌افتد. کانون‌های جرم‌خیز گذار می‌درخشند، استمرار می‌یابند، خاموش می‌شوند و دوباره رخ می‌دهند (گور و لی^۴، ۲۰۱۲). نتایج پژوهش ویزبرد و امرام (۲۰۱۴) نشان‌دهنده آن است که (۵۰) درصد از جرم در شهرهای سیاتل و مینی‌سوپولیس تنها در حدود (۳) درصد تا (۶) درصد از آدرس‌ها یا بلوک‌ها رخ داده است (ویزبرد و امرام^۵، ۲۰۱۴). نتایج پژوهش رویو و همکاران (۲۰۱۸) نشان‌دهنده آن است که در سال (۲۰۱۷)، (۱۲۷۸۴) فقره جرم از جمله سرقت، تجاوز به عنف، نزاع، سرقت خودرو، قتل، تلفات ناشی از تصادفات و غیره در شهر کاماناوا^۶ به وقوع پیوسته است و تلفات ناشی از ترافیک وسایط نقلیه، (۶۳/۹۷) درصد (۱۲۶۳۹ فقره) جرائم را شامل شده است (رویو و همکاران^۷، ۲۰۱۸). یافته‌های پژوهش ماتجوسایتین و همکاران (۲۰۱۹) بیانگر آن است که کاربری زمین بر سرقت، آزار و اذیت و تجاوز به

1- Braga and his colleagues
2- Iron law of troublesome places
3- Wilcox and Eck
4- Gorr and Lee
5- Weisburd and Amram
6- CAMANAVA
7- Rubio et al

موسوی (۱۳۹۴) به تحلیل فضایی کانون‌های جرم‌خیز در سطح محله‌های یزد پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده آن است که محله‌های امام‌شهر، آزادشهر، کوی فرودگاه، صفائیه و آتشکده بیشترین میزان جرم را دارند. جهت بیضی انحراف معیار نیز برای انواع جرم، شمالی-جنوبی است و بر اساس شاخص نزدیک‌ترین همسایه، جرائم اعتیاد، شرب خمر و کودک‌ربایی به صورت خوشه‌ای و مزاحمت‌های خیابانی و چک برگشتی به صورت تصادفی در سطح محله‌های شهر یزد توزیع شده‌اند. پرهیز و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به تعیین کانون‌های جرائم کیف‌قاپی و جیب‌بری در محدوده منطقه (۱۲) شهر تهران پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد الگوی فضایی جرائم این منطقه به صورت خوشه‌ای و متمرکز است و توزیع این جرائم در سطح منطقه پراکنده می‌باشد؛ به طوری که چندین مرکز جرم‌خیز در کل منطقه تشکیل شده است. از طرف دیگر، محل وقوع این‌گونه جرائم، به طور معمول مکان‌های شلوغ و پرازدحام مانند جلوی بانک‌ها، مراکز تجاری و میدان‌ها است. نصیری و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به تحلیل جغرافیایی-فضایی جرم و مکان‌های جرم‌خیز مرتبط با سرقت در شهر قزوین پرداخته‌اند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که در زمینه جرائم امنیتی، کلانتری (۱۷) با بیشترین جرائم در مرتبه اول و کلانتری‌های (۱۳)، (۱۱)، (۱۲) و (۱۴) به ترتیب در مرتبه‌های بعدی قرار دارند؛ در زمینه جرائم اقتصادی، کلانتری (۱۱) با بیشترین جرائم و کلانتری‌های (۱۷)، (۱۲)، (۱۳) و (۱۴) به ترتیب در مرتبه‌های بعدی قرار دارند و در نهایت در زمینه جرائم اجتماعی، بیشترین مورد در کلانتری (۱۱) و کلانتری‌های (۱۲)، (۱۳)، (۱۷) و (۱۴) در مرتبه‌های بعدی قرار دارند. مهدنژاد و پرهیز (۱۳۹۶) در پژوهشی به شناسایی علل تشکیل کانون‌های جرم‌خیز در منطقه (۱۲) شهر تهران مبادرت کرده‌اند. نتایج پژوهش مذکور نشانگر آن است که کانون‌های جرم‌خیز بر کانون‌های فقر نظیر ارگ پامنار، فردوسی-لاله‌زار، بهارستان سعدی، مختاری تختی، قیام، کوثر، شوش و سیروس تمرکز دارند و منطقه (۱۲) با (۳/۱۷) درصد کل جمعیت و (۲/۷) درصد کل مساحت شهر تهران، (۹/۳۲) درصد از

کل جرائم شهر تهران در آن رخ داده است. تحرک مسکونی بالا و تنوع قومی، خودکنترلی این منطقه را کاهش داده است.

مبانی نظری پژوهش

نظریه‌های مختلفی در رابطه با تأثیر مکان در وقوع جرم مطرح شده است. نظریه‌پردازان زیادی از جمله لوئیز مامفورد^۱ (۱۸۹۰)، مکتب اکولوژی شهری شیکاگو^۲ (۱۹۲۰)، جین جاکوبز^۳ (۱۹۶۰)، کوین لینچ^۴ (۱۹۶۰)، ری جفری^۵، الیزابت وود^۶، اسچلمو آنجل^۷، اسکار نیومن^۸ (۱۹۷۰)، جورج کلینگ و جیمز ویلسون^۹ (۱۹۸۰) و راهبرد پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی (۲۰۰۰) در خصوص رابطه بین جرم و مکان پژوهش کرده‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که مؤلفه‌های مکانی می‌توانند یک عامل تشویق‌کننده یا بازدارنده در وقوع جرم باشند (فرش و عمویی^{۱۰}، ۲۰۱۴: ۶۶). یکی از بنیادی‌ترین نظریه‌های مرتبط با جرم و بزهکاری، مکتب شیکاگو (کلیفورد شاو و مک‌کی هنری^{۱۱}) است. به اعتقاد شاو و مک‌کی، سه فاکتور ساختاری مشتمل بر «جایگاه اقتصادی پایین، ناهمگنی قومی و تحرک مسکونی» به از هم‌گسیختگی نظم اجتماع و در نهایت وقوع جرم و بزهکاری منجر می‌شود (سامپسون و گراوز^{۱۲}، ۱۹۸۹: ۷۷۴). آن‌ها استدلال کرده‌اند هنگامی که نابسامانی در چارچوب خانواده و اجتماع افزایش یابد، به تبع آن رفتارهای ضداجتماعی نظیر بزهکاری و قربانی‌شدن مجرمانه نیز افزایش می‌یابد. «همان‌طوری که اجتماعات، کنترل بر رفتار در چارچوب مرزهای خود را از دست می‌دهند و هیچ‌گونه اتفاق نظری در خصوص چارچوب‌های رفتاری وجود نداشته باشد، جرم و جنایت افزایش پیدا می‌کند» (ولچ^{۱۳}، ۲۰۱۰: ۲). نظریه فعالیت روزمره به تبیین

- 1- Lewis Mumford
- 2- Chicago urban ecology School
- 3- Jane Jacobs
- 4- Kevin Lynch
- 5- Ray Jeffry
- 6- Elizabeth Wood
- 7- Shlomo Angel
- 8- Oscar Newman
- 9- George Kelling and James Wilson
- 10- Farash & Amoie
- 11- Clifford Shaw and Henry McKay
- 12- Sampson & Groves
- 13- Welch

و فوج جرم از لحاظ فرصت‌هایی می‌پردازد که در زندگی روزمره اتفاق می‌افتد. بر مبنای این نظریه، برای پدید آمدن فرصت جرم باید سه عنصر در زمان و فضا با هم همگام شوند: یک مجرم با انگیزه، یک هدف مناسب یا قربانی و فقدان یک نگهبان توانمند (ژائو و تنگ^۱، ۲۰۱۸: ۲). نظریهٔ الگوی جرم به تبیین تأثیر محیط اجتماعی و کالبدی روی توزیع رویدادهای مجرمانه در فضا و زمان و شیوه‌های جلب توجه سوژه‌ها برای مجرمانه پرداخته است. این نظریه بر غیریکنواخت و غیرتصادفی بودن رویدادهای مجرمانه متمرکز شده است (لارو^۲، ۲۰۱۳: ۱۵). نظریهٔ فرصت جرم تأکید دارد که تحلیل‌گران باید تمرکز اهداف مجرمانه را جست‌وجو کنند؛ برای مثال، یک اجتماع متراکم بدون پارکینگ در بخش مرکزی شهر پتانسیل تبدیل شدن به کانون جرم‌خیز سرقت خودرو را دارد (ژائو و تنگ، ۲۰۱۸: ۲).

بر اساس نظریهٔ «فضای قابل دفاع» (نیومن، ۱۹۹۶)، یک رابطه مستقیم بین ویژگی‌های طراحی خاص و تغییرات نرخ جرم و جنایت ثبت شده وجود دارد. فضای قابل دفاع به‌عنوان «ابزاری برای بازآفرینی محیط‌های مسکونی شهرها بمان تلقی می‌شود به‌نحوی که آن‌ها می‌توانند دوباره به شهرهای قابل زندگی و کنترل‌شده تبدیل شوند و این نه به‌وسیله پلیس بلکه توسط قلمرو به اشتراک گذاشته اجتماع تحقق می‌یابد» (کوزنز و لارو، ۲۰۱۵: ۳). الیزابت وود اعتقاد داشت که بعضی از انواع طراحی‌ها موجب از بین رفتن کنترل اجتماعی می‌شود که توسط ساکنان صورت می‌گیرد؛ مدیران مناطق مسکونی هرگز نمی‌توانند سبب توقف اعمال مخرب مستأجران بی‌قید و حتی یک گروه کوچک از مخالفین شوند. از دیدگاه جاکوبز، محله‌های منزوی‌شده جرم و جنایت را ترویج داده‌اند؛ چراکه این مسئله به کاهش تعاملات معنادار بین ساکنان و در نتیجه کاهش نظارت‌های طبیعی منطقه منجر شده است. جاکوبز تأکید کرده که شکل‌های جدید طراحی شهری، بسیاری از کنترل‌های «طبیعی» یا سنتی بر رفتار بزهکارانه را درهم‌شکسته است. از دیدگاه وی، فقدان «نگهبان طبیعی» در محیط ترویج‌دهنده جرم و بزهکاری است و اینکه «هنگامی که مردم نمی‌دانند و تعامل معنی‌داری با همسایگان خود ندارند، جرم و بزهکاری شکوفا می‌شود» (ونزل^۳، ۲۰۰۷: ۱۹).

1- Zhao & Tang

2- LaRue

3. Wenzel

◇ جاکوبز ایمنی، امنیت و آسایش خاطر را به‌عنوان عناصر اصلی شهر دارای عملکرد مطلوب شناسایی کرده است. وی استدلال کرد «ویژگی سنگ بنای یک محدوده شهری موفق این است که فرد باید احساس امنیت و ایمنی فردی در خیابان‌ها داشته باشد» (کوزنز و لاو، ۲۰۱۵: ۲). به اعتقاد آنجل (۱۹۶۱)، «محیط فیزیکی تأثیر مستقیمی بر زمینه‌های جرم و بزهکاری از راه مشخص کردن روشن قلمروها، کاهش یا افزایش دسترسی‌پذیری به‌وسیله ایجاد یا حذف مرزها، گردش شبکه‌ها و تسهیل نظارت توسط شهروندان و پلیس اعمال می‌کند». آنجل همانند جاکوبز تأکید کرده است که سطح فعالیت مجرمانه رابطه معکوسی با سطح فعالیت در خیابان‌ها دارد؛ فعالیت کمتر معادل نظارت کمتر است که این امر به‌نوبه خود معادل فرصت بیشتر برای فعالیت مجرمانه و دیده نشدن می‌باشد (ونزل، ۲۰۰۷: ۲۰). رأی جفری (استاد جرم‌شناسی در دانشگاه ایالتی فلوریدا^۱) در کتاب خود با عنوان «پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی»^۲ (۱۹۷۷)، این اصطلاح را ابداع کرد. وی در این کتاب بر روان‌شناسی مجرمانه و رفتارگرایی به‌جای محیط کالبدی متمرکز شد. جفری (۱۹۷۷) به‌صراحت بیان کرد «در صورتی که بخواهیم یک مدل انسان-محیط یا محیط-ارگانیسم-محیط^۳ را بسازیم، باید مدل روان‌شناختی رفتار را داشته باشیم». وی مطالعات رفتار مجرمانه را بررسی کرده و نتیجه گرفت که بین مناطق بزه و مناطق بزهکار (جایی که بزهکار زندگی می‌کند) نوعی جدایی‌گزینی وجود دارد. به این معنا که مجرمان و بزهکاران تمایل دارند در نزدیک خانه علیه اشخاص دست به ارتکاب جرم بزنند و به دور از محل سکونت خود علیه اموال مرتکب جرائم شوند (فرناندز^۴، ۲۰۰۵: ۸). نیومن نظریه «فضای قابل دفاع» را مطرح کرد که تا حد زیادی از دیدگاه معماری منظر بسط یافته، اما به پژوهش‌های صاحب‌نظران رفتاری و اجتماعی از جمله هال^۵ (۱۹۵۹)، وود (۱۹۶۱)، جاکوبز (۱۹۶۱)، سامر^۶ (۱۹۶۹)، آنجل (۱۹۶۸) و جفری (۱۶۹۶ و ۱۹۷۱) نیز توجه کرده است. در واقع این نظریه بر مبنای مشاهدات صورت گرفته از فرم کالبدی مسکن عمومی بوده است. بر

1- Cozens&Love

2- Florida State University

3- Crime Prevention Through Environmental Design

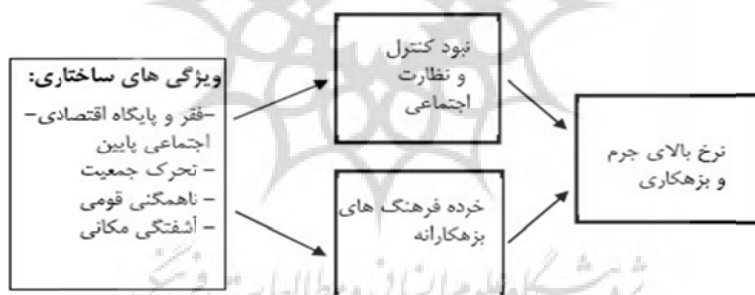
4- Environment-organism-environment model

5- Fernandez

6- Hall

7- Sommer

اساس نظریه مدکور، یک رابطه مستقیم بین ویژگی‌های طراحی خاص و تغییرات نرخ جرم و جنایت ثبت شده وجود دارد (کوزنز و لائو، ۲۰۱۵: ۲). چهار عنصر فضای قابل دفاع برای ترویج حس مالکیت، اجتماع و مسئولیت‌پذیری در ساکنان برای تضمین امنیت و نگهداری محله‌های مولد، ایمن و حفاظت‌شده با یکدیگر ترکیب شده‌اند. به گفته اشنايدر و کیتچن (۲۰۰۲)، نظریه فضای قابل دفاع به‌عنوان یک نظریه طراحی «به‌وسیله اشغال انسانی و استفاده از تجربه آگاهی‌بخش است و یک رویکرد نوین در معماری به شمار می‌آید». پس از نیومن (۱۹۷۳)، کاربرد فضای قابل دفاع فراتر از پروژه‌های مسکن اجتماعی بسط یافته و شامل انواع مجتمع‌های مسکونی و مجموعه‌ای از کاربری‌های اراضی نظیر خرده‌فروشی، تجاری، گره‌های حمل‌ونقل، مدارس، بیمارستان‌ها، مراکز شهر و مکان‌های ورزشی (به‌عنوان مثال، بازی‌های المپیک سیدنی و لندن) شده است. افزون بر این، نظریه فضای قابل دفاع بازتعریف شده، ابعاد اجتماعی به آن اضافه شده و بسیاری از جنبه‌های آن در کانون رویکرد مدرن یا نسل دوم CPTED قرار گرفته است (کوزنز و لائو، ۲۰۱۵: ۳). بر اساس پیشینه و مبانی نظری، مدل مفهومی پژوهش حاضر در شکل شماره (۱)، منعکس شده است.



شکل شماره (۱). مدل نظری پژوهش. منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸.

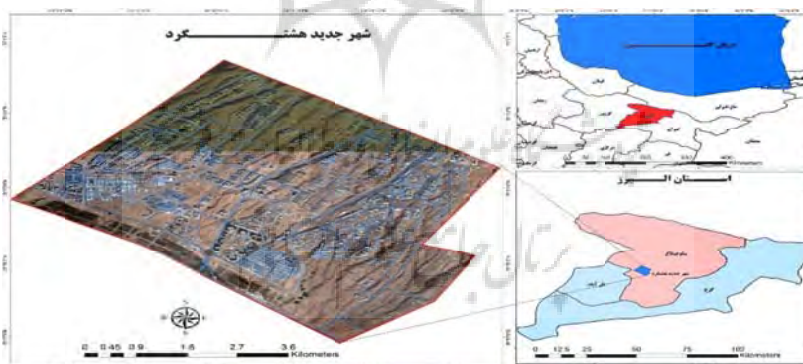
روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری شامل (۱۱۵۲) بزه نزع و درگیری در شهر جدید هشتگرد است که در یک بازه زمانی یک‌ساله (شهریور ۱۳۹۴ تا شهریور ۱۳۹۵) به وقوع پیوسته است. گفتنی است در فازهای (۱)، (۲)، (۳)، (۴) و (۷) به ترتیب (۱۷۶)، (۱۵۴)، (۲۵)، (۴۵۵) و (۳۴۲) بزه اتفاق افتاده

اکت. در این راستا برای نمایش توزیع مکانی جرائم مرتبط با درگیری و نزاع از روش‌های آماری گرافیک‌مینا استفاده شده است. برای سنجش وجود یا عدم وجود خوشه‌ای شدن جرائم از شاخص نزدیک‌ترین همسایه استفاده شده است. افزون بر این با استفاده روش تخمین تراکم کرنل اقدام به نمایش خوشه‌ای شدن جرائم مرتبط با نزاع و درگیری کرده است. تخمین تراکم کرنل شامل به‌کارگیری یک تابع برای هر نقطه داده‌ای است که میانگین موقعیت آن نقطه را نسبت به محل نقاط دیگر تعیین می‌کند.

قلمرو پژوهش

شهر جدید هشتگرد در موقعیت (۵۰) درجه و (۴۳) دقیقه تا (۵۰) درجه و (۴۶) دقیقه طول شرقی و (۳۵) درجه و (۵۶) دقیقه تا (۳۶) درجه و (۳) دقیقه عرض شمالی جغرافیایی استان البرز واقع شده است (شکل شماره ۱). فاصله آن با شهر تهران و کرج به ترتیب (۶۵) و (۲۵) کیلومتر است. مساحت حریم شهر جدید هشتگرد برابر با (۱۰۰۲۰/۱۴) هکتار است که این میزان به تقریب (۲/۳) برابر وسعت محدوده شهر است؛ مساحت وسعت شهر جدید هشتگرد معادل (۴۳۵۷/۷۶) هکتار می‌باشد. در سال (۱۳۷۵) جمعیت شهر جدید هشتگرد، (۸۹۴) نفر بوده که این تعداد در سال‌های بعد با روندی افزایشی روبرو بوده است؛ به طوری که در سال (۱۳۹۰) به (۲۲۷۲۴) نفر رسیده است (شرکت عمران شهر جدید، ۱۳۹۳).

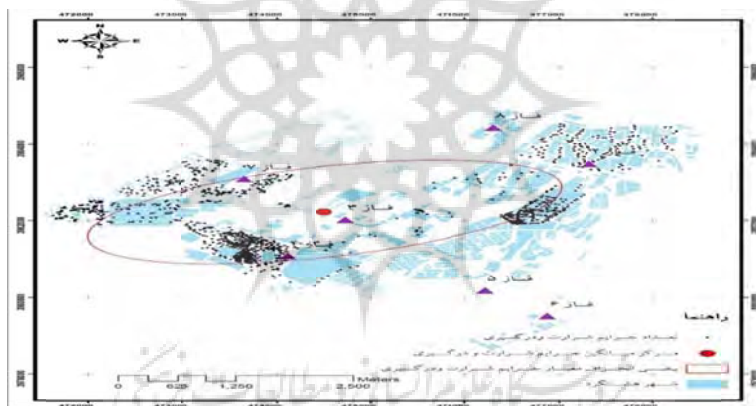


شکل شماره (۳). موقعیت شهر جدید هشتگرد. منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸.

با استفاده از روش‌های آماری گرافیک مینا، میزان گرایش به مرکز و توزیع فضایی کلی جرائم نزاع و درگیری در محدوده جغرافیایی شهر جدید هشتگرد مشخص شده است. افزون بر این، از طریق شاخص نزدیک‌ترین همسایه، میزان تمرکز نزاع و درگیری در این شهر مشخص شده و با استفاده از آزمون تخمین کرنل، کانون‌های جرم‌خیز نزاع و درگیری تعیین شده است.

نخستین گروه از روش‌های تحلیل فضایی بزهکاری، روش‌های آماری گرافیک مینا است تا بدین‌وسیله میزان گرایش به مرکز و توزیع فضایی کلی جرائم در محدوده جغرافیایی شهر مورد مطالعه مشخص شود. بیضی انحراف معیار و نقطه مرکز متوسط آزمون آماری جامع می‌باشند. نقطه مرکز متوسط را می‌توان به‌عنوان معیاری تقریبی برای مقایسه توزیع فضایی انواع گوناگون یا بررسی وقوع جرم یک نوع بزه خاص در دوره‌های زمانی مختلف به کار گرفت. به‌عبارت‌دیگر مرکز متوسط، مکان مرکزی را به‌صورت میانگین مبنایی تمام مکان‌های بزهکاری وقوع یافته در محدوده مورد مطالعه مشخص می‌کند. بیضی انحراف معیار سطوح پراکندگی مکان‌های وقوع جرائم را نشان می‌دهد. در این آزمون اندازه و شکل بیضی میزان پراکندگی و امتداد آن، جهت حرکت رفتارهای مجرمانه را مشخص می‌کند. مرکز متوسط جرم شرارت و درگیری در فاز (۳) شهر هشتگرد واقع شده و تمایل آن نسبت به مرکز میانگین کل جرائم بیشتر به طرف فازهای (۴) و (۷) بوده است. بیضی انحراف معیار مربوط به بزه شرارت و درگیری جهتی شمال‌شرقی-جنوب‌غربی دارد و بیشتر محدوده فازهای (۴) و (۷) از سطح شهر هشتگرد را در بر گرفته است. کشیدگی بیشتر به سمت جنوب و جنوب‌غربی در شهر هشتگرد نشان‌دهنده میزان وقوع زیاد این بزه در این محدوده‌ها می‌باشد. (شکل شماره ۴). پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین از مهم‌ترین مشخصه‌های فازهای (۴) و (۷) شهر جدید هشتگرد است و از این نظر با خروجی صاحب‌نظران مکتب شیکاگو مطابقت دارد. این نظریه پایگاه اقتصادی پایین را عامل اصلی جرم می‌داند. این نظریه معتقد است که فروریختن کنترل اجتماعی باعث افزایش بزهکاری و تغییرات اجتماعی می‌شود. در واقع، اجتماعات نابسامان قادر نیستند کنترل اجتماعی کارآمد را حفظ کنند چراکه بنیان‌های

محلّه و نهادها فروریخته‌اند (شیونگ، ۱۰۱۶). از دیدگاه مکتب شیکاگو بالاترین میزان و تمرکز جرم و بزهکاری در زون‌های انتقالی یا گذار اتفاق افتاده است. منطقه گذار دارای ویژگی‌های عمده‌ای مشتمل بر فقر، ناهمگنی قومی (متولد خارج)، تحرک مسکونی (به مناطق دیگر)، بی‌نظمی، بی‌آداب و نزاکتی و شیوه‌های زندگی رقابت‌آمیز-خرده‌فرهنگی بوده است. از این رو آن‌ها نتیجه می‌گیرند جرم در نتیجه زیست‌شناسی نامرغوب یا آسیب‌شناسی قومی نیست بلکه نتیجه مکان است. نظریه نابسامانی اجتماعی به فاکتورهای اجتماعی و اجتماع مربوط می‌شود مبنی بر اینکه چرا جرم و بزهکاری اتفاق می‌افتد؟ منابع بیرونی نابسامانی اجتماعی شامل پایگاه اقتصادی-اجتماعی، تحرک مسکونی، ناهمگنی، از هم‌گسیختگی خانوادگی و شهرنشینی و ابعاد مداخله‌گر نابسامانی اجتماعی شامل توانایی اجتماعی برای نظارت و کنترل گروه‌های هم‌سن‌وسال، شبکه‌های دوستی محلی و مشارکت محلی در سازمان‌های داوطلبانه و رسمی هستند (دوناتان^۲، ۲۰۱۴: ۷).



شکل شماره (۴). نقشه مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار جرم شرارت و درگیری در شهر جدید هشتگرد. منبع: نگارندگان بر اساس آمار نیروی انتظامی شهر جدید هشتگرد، ۱۳۹۸.

شاخص نزدیک‌ترین^۳ همسایه روشی مفید برای آزمون تمرکز بزهکاری در یک محدوده جغرافیایی است. با نتایج این آزمون به سرعت می‌توان دریافت که آیا داده‌های

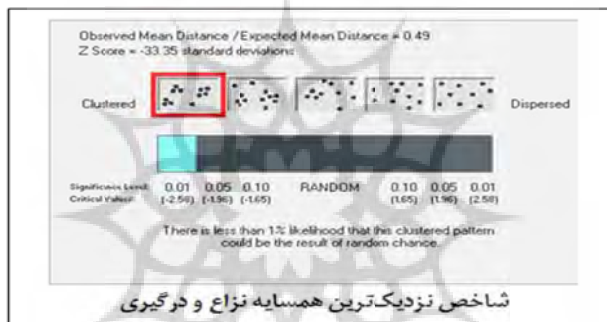
1- Xiong
2- Donathan
3- Nearest Neighbor Index (NNI)

مجرمانه تمرکز خوشه‌ای دارند یا حیرت‌انگیز؟ اگر نتیجه آزمون داده‌های مجرمانه شکل خوشه‌ای نداشته باشد، کانون جرم‌خیزی شکل نگرفته است و دیگر لازم نیست محقق وقت خود را برای شناسایی کانون‌های جرم‌خیز صرف کند. آزمون شاخص نزدیک‌ترین همسایه نشان داد که جرائم مربوط به بزه نزاع و درگیری در شهر هشتگرد شکل خوشه‌ای به خود گرفته‌اند (شکل شماره ۵) و نمره Z این جرائم نیز تأییدکننده خوشه‌ای بودن نقاط مربوط به این جرائم می‌باشد (جدول شماره ۱).

جدول شماره (۱). نتایج تحلیل شاخص نزدیک‌ترین همسایه ارتکاب بزهکاری در شهر جدید هشتگرد.

نوع جرم	شاخص نزدیک‌ترین همسایه	نمره Z	p-value
نزاع و درگیری	۰/۴۸۶۴۴۵	-۳۳/۳۴۶۰۰۵	۰/۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸.

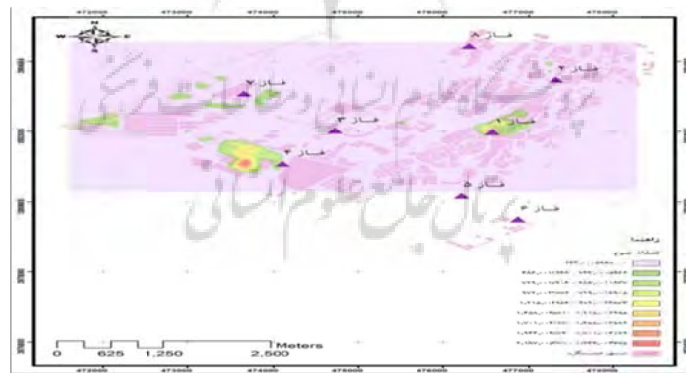


شکل شماره (۵). نتایج تحلیل شاخص نزدیک‌ترین همسایه ارتکاب بزهکاری در شهر جدید هشتگرد.

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸.

یافته‌های حاصل از آزمون تخمین کرنل بیانگر آن است که بیشترین تمرکز این بزه در فازهای (۴)، (۱) و (۷) به وقوع پیوسته است (شکل شماره ۶). درگیری و نزاع فردی و جمعی یکی از بزه‌های تکرارشونده در شهر جدید هشتگرد است؛ که بیشتر به خاطر تنوع فرهنگی و قومی این شهر می‌باشد و به خاطر نبود سازوکارهای نظارتی در قالب تقابل فرهنگی رخ داده است. چنانچه نزدیک به (۷۰) درصد آن در فازهای (۴) و (۷) اتفاق افتاده است و بقیه آن در فازهای (۱)، (۲) و (۳) رخ داده است که به ترتیب بیشترین فراوانی آن در فازهای (۴)، (۷)، (۱) و (۲) و در نهایت (۳) روی داده است. تحلیل آمار بیانگر آن است که جمعیت مهاجر و تحرک مسکونی در فازهای (۴) و (۷)، زمینه مساعدی برای نزاع‌های فردی و جمعی فراهم آورده است که فقدان زبان و ارزش‌های

مشترک، نبود خودکنترلی اجتماعی و نظارت اجتماعی از جمله مهم‌ترین دلایل آن بوده است. شرایط نامساعد بلوک‌ها از جمله ناهمگنی جمعیت به‌عنوان مهم‌ترین عامل نزاع و درگیری در شهر جدید هشتگرد شناخته می‌شود. شاهد این امر آنکه در بلوک‌های مسکن مهر اقشار و طیف‌های گوناگونی از جمله خانوارها، افراد مجرد، موادفروشان، مسکن‌های گروهی و فراغتی از فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف قرار دارند که این مسئله زمینه را برای بروز انواع نزاع‌ها و درگیری‌ها مستعد ساخته است. افزون بر این شرایط حاکم بر بلوک‌های مسکن مهر از جمله نبود فضاهای عمومی، مکان‌های گفتمان و اجتماعی شدن و امکانات و خدمات رفاهی این مسئله را در شهر جدید هشتگرد تشدید کرده است. در واقع کانون‌های اصلی نزاع و درگیری تا حد زیادی بر فازهای مسکن مهر منطبق هستند. فازهای (۴) و (۷) به‌عنوان کانون تمرکز اقشار کم‌درآمد و مسکن مهر شناخته می‌شوند که در پهنه‌های حاشیه‌های جنوبی و غربی شهر جدید هشتگرد واقع شده‌اند. به‌طور کلی، در این محدوده‌ها مجموعه‌ای از ویژگی‌های بارز دیده می‌شود که زمینه را برای وقوع اعمال بزهکارانه تسهیل کرده است. عدم تأمین نیازهای خدمات عمومی (فضای سبز و مکان‌های گفتمان، آموزشی، فرهنگی، درمانی، ورزشی و تفریحی)؛ عدم شکل‌گیری روابط همسایگی؛ تنوع قومی و نژادی؛ عدم شکل‌گیری شبکه‌های رسمی و غیررسمی آشنایی و دوستی؛ پایگاه اجتماعی-اقتصادی ضعیف ساکنان؛ ساختمان‌های نیمه‌تمام و متروکه و رؤیت ناپذیر بودن بسیاری از فضاهای مجتمع‌های مسکن مهر از جمله این زمینه‌های مساعد برای وقوع اعمال بزهکارانه می‌باشند.



شکل شماره (۶): نقشه توزیع فضایی کانون‌های تمرکز جرائم نزاع و درگیری در شهر جدید هشتگرد با استفاده از تخمین تراکم کرنل. منبع: نگارندگان بر اساس آمار نیروی انتظامی شهر جدید هشتگرد، ۱۳۹۵.

مقایسه آمار جرائم شهر جدید هشتگرد با مناطق (۱۱) گانه کلان شهر تهران به حویلی بیانگر آمار بالای آن است. این امر گویای آن است که جرم در شهرهای جدید به یک بحران تبدیل شده است و آمار آن بالاتر از شهرهای بزرگ می باشد. چنانچه از نظر نزاع های جمعی و فردی نیز آمار شهر جدید هشتگرد از (۱۱) منطقه کلان شهر تهران مشتمل بر مناطق (۱)، (۶)، (۸)، (۱۰)، (۱۱)، (۱۳)، (۱۷)، (۱۸)، (۲۰)، (۲۱) و (۲۲) بالاتر است (جدول شماره ۲). بر اساس محاسبات جدول زیر، نرخ نزاع در شهر جدید هشتگرد نسبت به شهر تهران، (۱۷) برابر برآورد می شود.

جدول شماره (۲). مقایسه تطبیقی جرائم شهر جدید هشتگرد با مناطق (۲۲) گانه کلان شهر تهران.

محدوده مورد مطالعه	جمعیت	نزاع های فردی و جمعی
منطقه ۱	۳۹۰۹۴۶	۹۹۴
منطقه ۲	۶۲۸۱۰۶	۱۵۸۶
منطقه ۳	۳۲۱۴۹۶	۱۷۹۱
منطقه ۴	۸۷۴۰۰۶	۳۴۸۱
منطقه ۵	۷۰۲۹۷۸	۱۳۶۵
منطقه ۶	۲۴۷۶۴۴	۸۰۵
منطقه ۷	۳۱۸۹۹۲	۱۴۱۴
منطقه ۸	۳۹۰۶۵۸	۹۶۶
منطقه ۹	۱۶۴۱۶۵	۱۲۶۰
منطقه ۱۰	۳۲۹۵۰۷	۶۵۱
منطقه ۱۱	۲۸۴۷۷۸	۷۹۸
منطقه ۱۲	۲۵۷۲۸۴	۱۵۵۵
منطقه ۱۳	۲۶۵۱۱۴	۵۴۸
منطقه ۱۴	۵۶۷۴۸۳	۱۲۲۲
منطقه ۱۵	۶۷۳۴۶۹	۱۳۵۱
منطقه ۱۶	۳۲۵۱۱۲	۱۷۰۹
منطقه ۱۷	۲۶۸۴۸۵	۷۱۴
منطقه ۱۸	۳۳۲۲۸۳	۵۷۸
منطقه ۱۹	۲۵۷۴۳۴	۱۰۶۰
منطقه ۲۰	۳۴۴۷۵۲	۶۵۲
منطقه ۲۱	۱۶۹۲۸۴	۱۳۴
منطقه ۲۲	۱۱۳۲۶۲	۳۹
جمع کل تهران	۸۲۱۷۲۳۸	۲۴۶۷۳
شهر جدید هشتگرد	۲۲۷۲۴	۱۱۵۲

منبع: معاونت اجتماعی ناجا، به نقل از شمعی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۲۵ و نیروی انتظامی شهر جدید هشتگرد، ۱۳۹۵.

تمرکز جرائم در فازهای (۴) و (۷) شهر جدید هشتگرد با مؤلفه‌های نظریه‌های شاو و مک‌کی و نیومن مطابقت دارد؛ چراکه این دو فاز به مکان تمرکز مسکن اقشار کم‌درآمد یا مسکن مهر تبدیل شده است. بر این اساس میزان جرم و جنایت در مکان‌ها و فضاهای منزوی‌شده‌ای نظیر فازهای مسکن مهر که به‌طور بسیار ضعیفی از بازرسی دقیق عمومی دور نگه‌داشته شده‌اند، در بالاترین حد است.

در عین حال، مکان‌هایی که میزان بالایی از نظارت محلی وجود دارد و احساس وحدت و همبستگی مردم در آن‌ها زیاد است (نظیر فازهای ۱ و ۲) و میزان جرم و جنایت در آن‌ها پایین‌تر است. مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز نزاع و درگیری در شهر جدید هشتگرد با مؤلفه‌های نظریه نابسامانی اجتماعی و فضای غیرقابل دفاع مطابقت دارند. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از:

- فقر شدید یا پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین: بر اساس آمار متقاضیان مسکن مهر در شهر جدید هشتگرد، (۸۴/۸) درصد متقاضیان خانوارهای کم‌درآمد هستند که (۱۱/۲) درصد آن زنان ثبت‌نام‌شده هستند؛ این درصد شامل زنان سرپرست خانوار و یا بانوانی است که همسرانشان واجد شرایط تعیین‌شده نبوده‌اند. (۱۵/۲) درصد متقاضیان مجرد هستند (۱۱/۹) درصد زن و ۳/۳ درصد مرد؛ به‌طور کلی (۲۳/۱) درصد متقاضیان مسکن مهر زنان هستند. به‌نوعی مسئله ازهم‌گسیختگی خانوارها (که یکی از ابعاد نظریه نابسامانی اجتماعی می‌باشد) در پهنه‌های مسکن مهر شهر جدید هشتگرد مشاهده می‌شود؛ چنانچه (۹۲۶۶) نفر از متقاضیان زنان مطلقه و سرپرست خانوار هستند. افزون بر این پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین ساکنان مسکن مهر به‌خوبی از آمار استنباط می‌شود چراکه آن‌ها فاقد نیازهای پایه یعنی مسکن بوده‌اند.
- تحرک جمعیت و تمرکز مکانی آن در فازهای مسکن مهر: با بررسی مبدأ مهاجرت ساکنان شهر جدید هشتگرد مشخص شد که مبدأ مهاجرت (۳۸/۱) درصد از مهاجران شهر جدید هشتگرد از شهر تهران، (۲۴/۵) درصد از شهرهای دیگر استان و (۱۷/۲) درصد از شهر کرج و شهرهای دیگر استان البرز بوده است؛

سایر شهرهای کشور و روستاهای پیرامون به ترتیب (۱۱/۸) درصد و (۱/۲) درصد از مهاجران شهر جدید هشتگرد را تشکیل می‌دهند. این موضوع به خوبی بیانگر تحرک مسکونی (به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر جرم و جنایت) در شهر جدید هشتگرد می‌باشد. بر اساس نظریه نابسامانی اجتماعی، بی‌نظمی فزاینده و در نتیجه افزایش میزان جرم در دوره‌هایی که مهاجرت زیاد است محتمل‌تر به نظر می‌رسد. شکل اجتماعات به خاطر زیاد شدن تفاوت‌های فرهنگی و زبانی و نژادی تحت تأثیر گوناگونی جمعیت‌های مهاجر تضعیف می‌شود. شبکه‌های اثرگذار کنترل اجتماعی و رصد، به‌سختی به وجود می‌آید؛ زیرا محله‌هایی که مهاجران در آن‌ها سکونت می‌کنند معمولاً بی‌ثبات و از لحاظ منابع فقیر هستند.

- ناهمگنی قومی: مهاجرت روزافزون و ساخت (۵۰) هزار واحد مسکن باعث شده است که ساکنان ناهمگنی به شهر جدید هشتگرد نقل مکان کنند. این افراد کسانی هستند که معمولاً توان پرداخت هزینه‌های سنگین مسکن و اجاره‌نشینی در کلان‌شهرهای تهران و کرج را ندارند و در نتیجه به سمت حاشیه‌های شهرها یا محدوده‌های مربوط به مسکن اقشار کم‌درآمد روی می‌آورند؛ در واقع نوعی به حاشیه‌راندگی و طردشدگی اتفاق می‌افتد. همچنین کارگران و اقشار پایین اجتماعی و اقتصادی در جست‌وجوی معیشت و فرصت‌های شغلی به سمت کلان‌شهرهای تهران، کرج و شهرهای استان البرز و تهران مهاجرت کرده‌اند و بهترین مکان برای سکونت خود را پهنه‌های مسکن مهر به‌خصوص هشتگرد یافته‌اند. این افراد از اقوام و قشرهای مختلف مشتمل بر جوانان مجرد و متأهل، افراد میانسال متأهل، زنان بدسرپرست و بی‌سرپرست و حتی زنان مجرد و همچنین ثروتمندان در جست‌وجوی خانه‌های سوم هستند؛ بنابراین همگنی و توازن بین آن‌ها وجود ندارد. تمرکز این اقشار بدون سیستم‌های رسمی مربوط به شبکه‌های ارتباطی و خودکنترلی باعث ایجاد زمینه‌های مناسب برای جرم و جنایت در پهنه‌های فقیرنشین شهر هشتگرد شده است؛ بنابراین ترکیب‌بندی محله‌ها و فازهای شهر جدید هشتگرد به دلیل اختلاط قومی و نژادی و یا به بیان دقیق‌تر اختلافات فرهنگی و یا زبانی مانع همبستگی اجتماعی شده است.

افزون بر این مشخصه‌های مکانی یعنی شکل‌گیری پهنه‌های مسکن مهر باعث متمرکز شدن این کانون‌های ناهمگنی شده است. در نتیجه، مناطق فقیری که از لحاظ قومیتی ترکیبی (درهم‌آمیخته) و از لحاظ سکونت بی‌ثبات‌اند، نمی‌توانند به آسانی و به سرعت به سمت پیوستگی/دل‌بستگی مکانی حرکت کنند.

• آشفته‌گی مکانی: مشخصه‌های مکانی شهر جدید هشتگرد از جمله عدم شکل‌گیری کامل ساختار شهر، مشخص نبودن حدود و محدوده شهر، وجود پروژه‌های نیمه‌تمام مربوط به تعاونی‌های مسکن و مسکن مهر، بی‌نظمی و آشفته‌گی مکانی، آپارتمان‌های بلندمرتبه، کمبود خدمات و امکانات به‌خصوص در محدوده‌های مسکن مهر (از جمله فازهای (۴) و (۷)) موجب تشکیل کانون‌های جرم‌خیز و فراوانی و تنوع بزه و جرم شده‌اند. از آنجایی که کانون‌های تمرکز جرائم مرتبط با نزاع و درگیری در شهر جدید هشتگرد بر پهنه‌های مسکن مهر منطبق هستند، از این رو با نظریه نیومن مطابقت دارد.

پیشنهادها

- ✓ تعیین تکلیف پروژه‌های نیمه‌تمام مسکن مهر، ساماندهی فضاهای پارکینگ خارج از بلوک‌ها، تأمین سطوح و سرانه‌های خدماتی و رفاهی برای بلوک‌ها در فازهای (۳)، (۴) و (۷)؛
- ✓ راه‌اندازی سراهای محله، خانه‌های فرهنگ و مکان‌های گفت‌وگو برای تقویت شبکه‌های دوستی و تقریب مذاهب و فرهنگ‌های مختلف در فازهای (۴) و (۷)؛
- ✓ برگزاری مستمر جشنواره‌های فرهنگی و مذهبی برای سرزندگی و تقویت انسجام اجتماعی ساکنان در فضاهای خالی فازهای (۳)، (۴) و (۷)؛
- ✓ تأسیس پایگاه‌های بسیج، مراکز نگهداران محله برای بلوک‌های مسکن مهر و همین‌طور گشت‌زنی منظم نیروی انتظامی در فازهای (۳)، (۴) و (۷).

- پرهیز، فریاد؛ ضرابی، اصغر؛ محمدی، جمال؛ مشکینی، ابوالفضل (۱۳۹۵). شناسایی و تحلیل مکانی کانون‌های جرم‌خیز در کلان‌شهرها (مورد مطالعه: منطقه ۱۲ کلان‌شهر تهران). پژوهش‌های راهبردی نظم و امنیت اجتماعی، دوره (۴) شماره (۱۵)، ص (۴۹-۶۵).
- شرکت عمران شهر جدید هشتگرد. (۱۳۹۳). بررسی ویژگی‌ها، مزایا و مشکلات مجتمع‌های مسکونی مهر (مورد مطالعه: پروژه ۱۰۰۲ واحدی شهر جدید هشتگرد). مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، وزارت راه و شهرسازی. البرز: شرکت عمران شهر جدید هشتگرد.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). سالنامه آماری استان البرز. کرج: پرتال جامع استان البرز، اداره کل آمار و اطلاعات استانداری البرز.
- موسوی، میرنجف (۱۳۹۴). بررسی تحلیل فضایی کانون‌های جرم‌خیز در سطح محله‌های شهر یزد با تأکید بر برنامه‌ریزی فرهنگی، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره (۴۷)، شماره (۹۲)، ص (۲۳۳-۲۴۸).
- مهدنژاد، حافظ؛ پرهیز، فریاد (۱۳۹۶). تبیین خوشه‌ای شدن جرم در منطقه (۱۲) شهر تهران بر اساس نظریه نابسامانی اجتماعی. فصلنامه انتظام اجتماعی، دوره (۹) شماره (۴)، ص (۹۷-۱۱۶).
- نصیری، اسماعیل؛ احمدی، علی؛ رحمانی، محمدحسن؛ کماسی، حسین (۱۳۹۶). تحلیل فضایی جرم و مکان‌های جرم‌خیز (مورد مطالعه: بزه سرقت در شهر قزوین). نشریه جغرافیا، دوره (۱) شماره (۲)، ص (۶۱-۷۷).
- Aksoy, E. (2017). Geography of Crime and Its Relation to Location: The City of Balikesir (Turkey), IOP Conf. Ser.: Mater. Sci. Eng. 245 072012:1-11.
- Braga, A.A. Hureau D.M & Papachristos A.V. (2010). The relevance of micro places to citywide robbery trends: a longitudinal analysis of robbery incidents at street corners and block faces in Boston. Journal of Research in Crime and Delinquency, 48:7-32.
- Braga A.A. Papachristos A.V & Hureau D. M. (2010). The concentration and stability of gun violence at micro places in Boston, 1980-2008. Journal of Quantitative Criminology, 26:33-53.
- Cozens, P. & Love, T. (2015). A Review and Current Status of Crime Prevention through Environmental Design (CPTED). Journal of Planning Literature, 1 -20.
- Donathan, K. R. (2014). A Spatial Analysis Test of Decennial Crime Patterns in the United States, Master of Arts in Criminal Justice, Department of Criminal Justice Greenspun College of Urban Affairs The Graduate College, University of Nevada, Las Vegas.
- Farash K. M. & Amoie, R. (2014). Identifying Urban Indefensible Spaces and

- تعیین کانون جرم‌خیز نزاع و درگیری (مورد مطالعه: شهر جدید هشتگرد)
~~Proposing a Design Oriented Solution using the Principles of the Approach~~
 (CPTED). Case Study on Bagh Shater Neighborhood of Tehran, Iran, Journal of Civil Engineering and Urbanism, 4 (2014): 65-73.
- Fernandez, M. (2005). Crime Prevention and the Perception of Safety in Campus Design, Louisiana State, Master Degree Thesis of Landscape Architecture, University and Agricultural and Mechanical College.
 - Gorr, W. Lee, Y.J. (2018). Chronic and Temporary Crime Hot Spots. Invited chapter submitted for inclusion in David Weisburd and John Eck, Connecting Crime to Place: New Directions for Theory and Policy, Advances in Criminology Theory Series, Transaction Press, Edited by William Laufer and Freda Adler, 41-63.
 - Gorr W.L. & Lee Y.J. (2012). Longitudinal study of crime hot spots: Dynamics and impact on part 1 violent crime. Proceedings of the 32nd International Symposium on Forecasting, June 2012.
 - Kadara, C. Maculana, R. Feuerriegel, S. (2019). Public decision support for low population density areas: An imbalance-aware hyper ensemble for spatio-temporal crime prediction, Preprint submitted to arXiv:1-37.
 - LaRue, E. (2013). Patterns of Crime and Universities: A Spatial Analysis of Burglary, Robbery and Motor Vehicle Theft Patterns Surrounding Universities in Ottawa. the Master Degree of Arts in the School of Criminology Faculty of Arts and Social Sciences, Simon Fraser University, Spring 2013.
 - Mahdavinia, M. Sardari-Mamaghani, N. & Goudarzi, S. (2014). Review of environmental paradigms in residential complexes: A case study in Ekbatan Complex. European Online Journal of Natural and Social Sciences, 3(4-):1-20.
 - Matijosaitiene, I. Zhao, P. Jaume, S. Gilkey Jr, J. W. (2019). Prediction of Hourly Effect of Land Use on Crime, ISPRS Int. J. Geo-Inf. 2019, 8(16):1-13.
 - Newman, O. (1996). Creating Defensible Space, U.S. Department of Housing and Urban Development Office of Policy Development and Research.
 - Rubio, A. J. M. Ballera, M. A. Gonzales, D. B. (2018). Identifying Crime Hotspots in CAMANAVA by Geographic Information System using Spatio-Temporal Analysis, Asia Pacific Journal of Multidisciplinary Research, 6(3):82-90.
 - Sampson, R. J. & Byron, G. (1989). Community structure and crime: Testing social disorganization theory. American Journal of Sociology, 94(4): 774 -802.
 - Sherman, L.W. Gartin, P.R. & Buerger, M.E. (1989). Hot Spots of Predatory Crime: Routine Activities and the Criminology of Place. Criminology 27 (1): 27-56.
 - Spelman, W. (1995). Criminal careers of public places. In: Eck JE, Weisburd D (eds) Crime and places: Crime prevention studies 4, Willow Tree Press, New York.
 - Weisburd, D.L. & Amram, S. (2014). The Law of Concentrations of Crime at Place: The Case of Tel Aviv-Jaff. Police Practice and Research. doi:10.1080/15614263.2013.874169.
 - Weisburd, D.L. Bushway, S. Lum, C. & Yang S.M. (2004). Trajectories of Crime at Places: A Longitudinal Study of Street Segments in the City of Seattle. Criminology 42 (2): 283-322.

- ◊ Welch, R. (2010). ~~Testing Social Disorganization Theory On Alcohol Consumption~~ and Homicide Rates in Former Soviet Bloc Countries. *Social Disorganization, Alcohol & Homicide*.
- Wenzel, R. L. (2007). CPTED: Interpreting Contemporary Security Practices in the Era of Homeland Security. Master Degree of Arts in Criminology and Criminal Justice, Faculty of the Graduate School, University of Texas at Arlington, August 2007.
 - Wilcox, P. & Eck, J.E. (2011). Criminology of the unpopular. *Criminal Public Policy* 10:473-482.
 - Xiong, H. (2016). *Urban Crime and Social Disorganization in China: A Case Study of Three Communities in Guangzhou*. Springer.
 - Zhao, X. & Tang, J. (2018). Crime in Urban Areas: A Data Mining Perspective, *SIGKDD Explorations*, 20(1):1-12.

